



ساکورا

کاری از تیم ترجم ساکورا

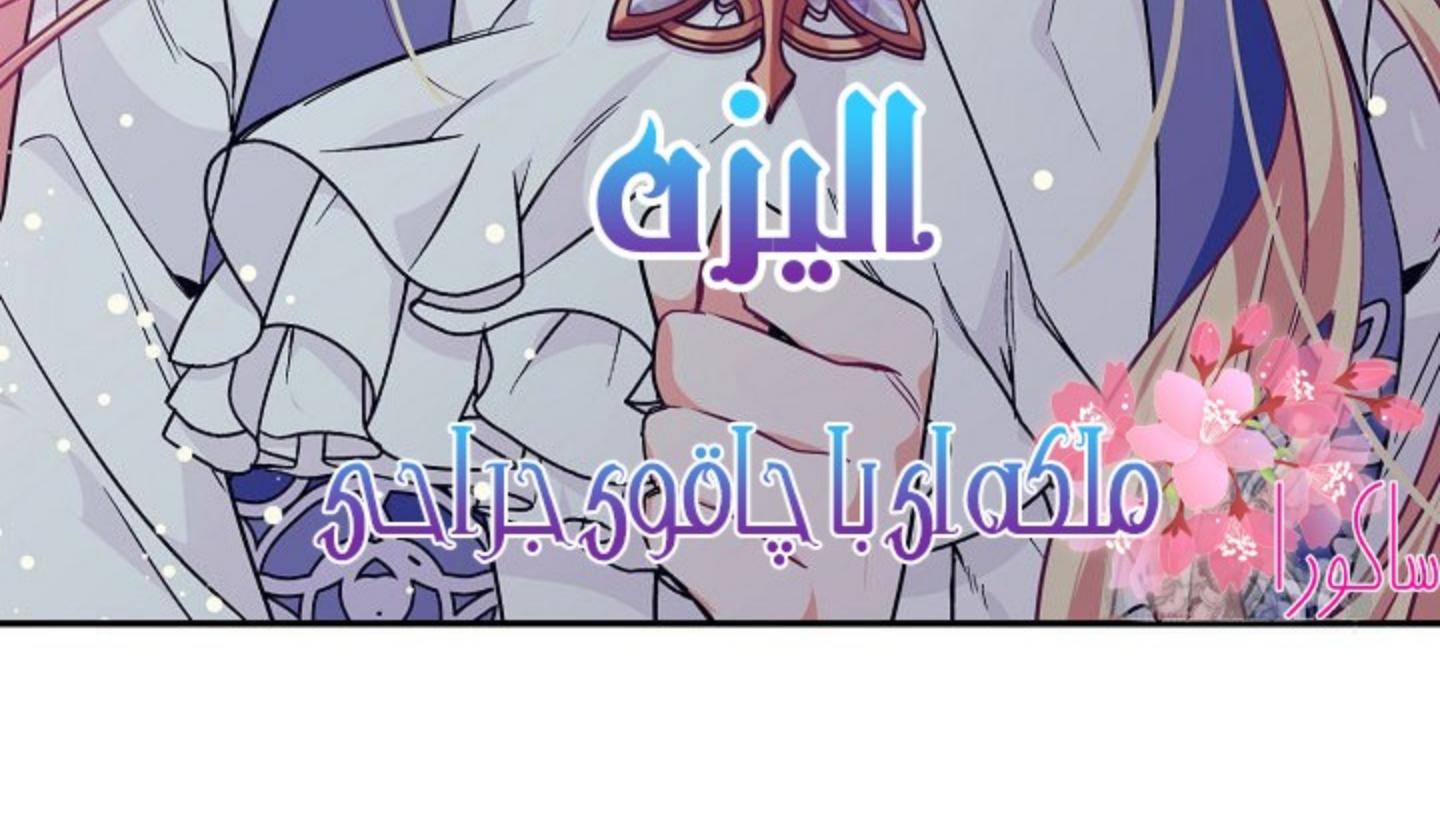
مترجم: *dorsa_dyn*

کلینر: *Trin*

تاپیست: *Trin*

أوه؟

نشيني؟
ميغم ولش كن



مدق میشه، سرورم
تقریبا دو سال از آخرین باری که
شمارو تو سرزمین های دارک
دیدم میگذره

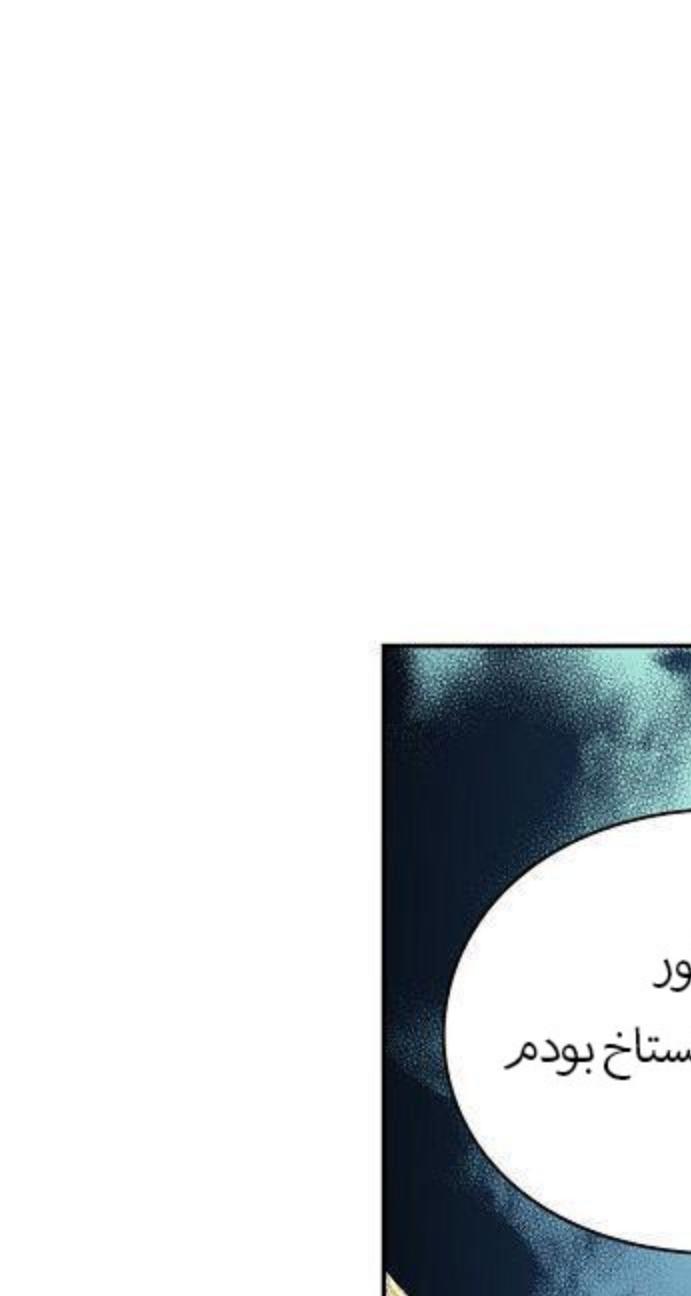
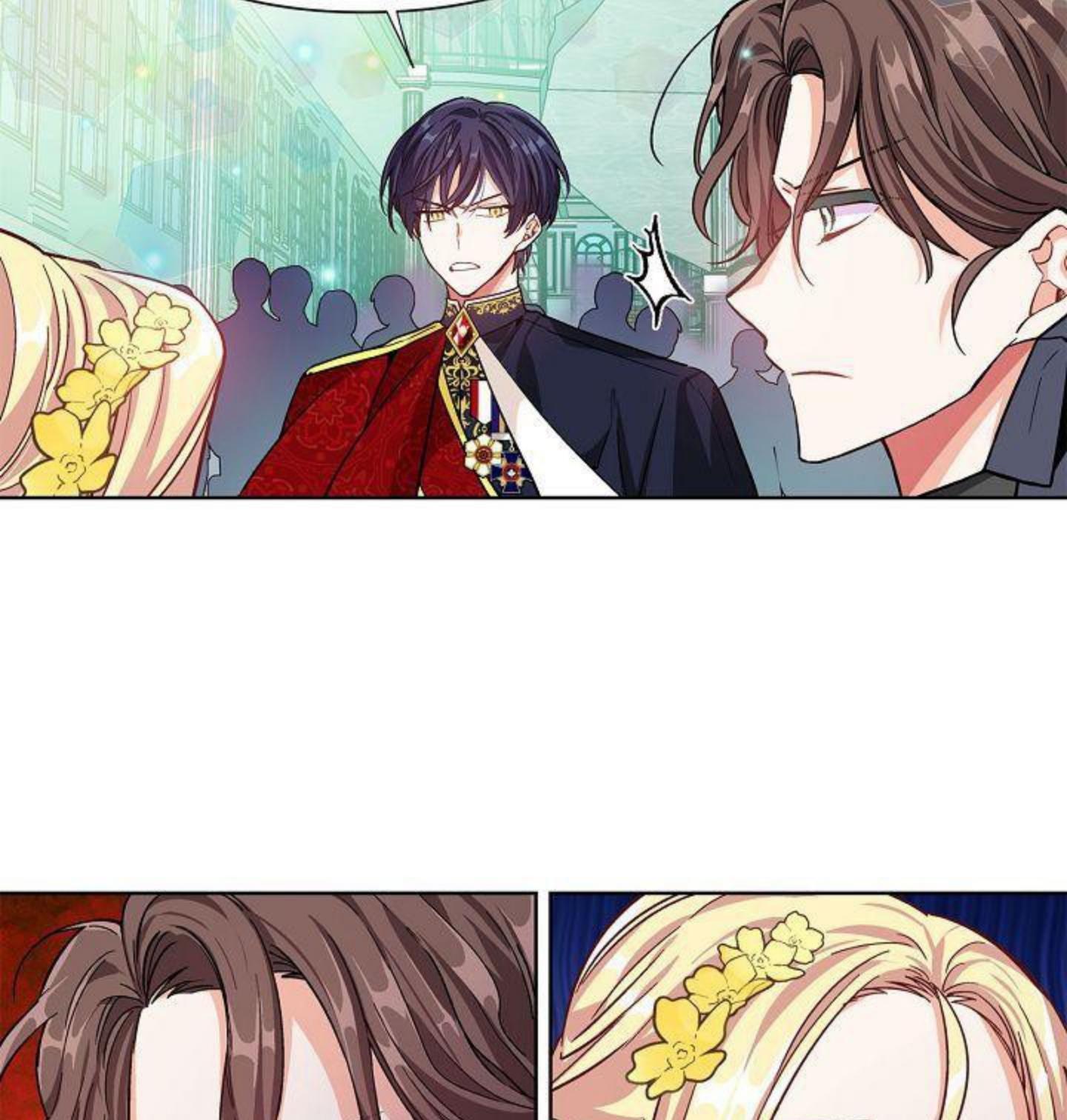
باید با لقب افتخار امیزی که اون
موقع برآتون استفاده میکردیم
صداتون کنم؟ شاه بی احساس؟

کاری نکن
حرفمو تکرار کنم....

بهت گفتم
دستشوول کن

چرا؟ تو بربیتیا
اجازه ندارم از یه بانوی
زیبا درخواست رقص کنم؟

کوری؟ واضحه که ایشون راحت نیست



که اینطور
بنظر میرسه که گستاخ بودم

ویل گردن



از حضورتون مرخص میشم
اگه دوباره همو دیدیم، اشکالی
نداره ازتون درخواست رقص کنم؟

آه... البته

منتظر اون روز هستم

در فین

درود سروم الیزه د رولند
در خدمت شماست

ساکورا

آم.. ممنونم سروم

نمیخواستم باهاشون برقصم

من خودم ازش خوش نمیاد

پس نیازی نیست از مرتش کنی

متوجهم ولی بازم ممنونم

پرنس و لوئیس نسلولاس
دو سال پیش توی چنگ رو به
روی هم چنگیدن معلومه که از هم
فوششون نمیار

ولی پرنس واقعا همیشه اینبوری بود؟

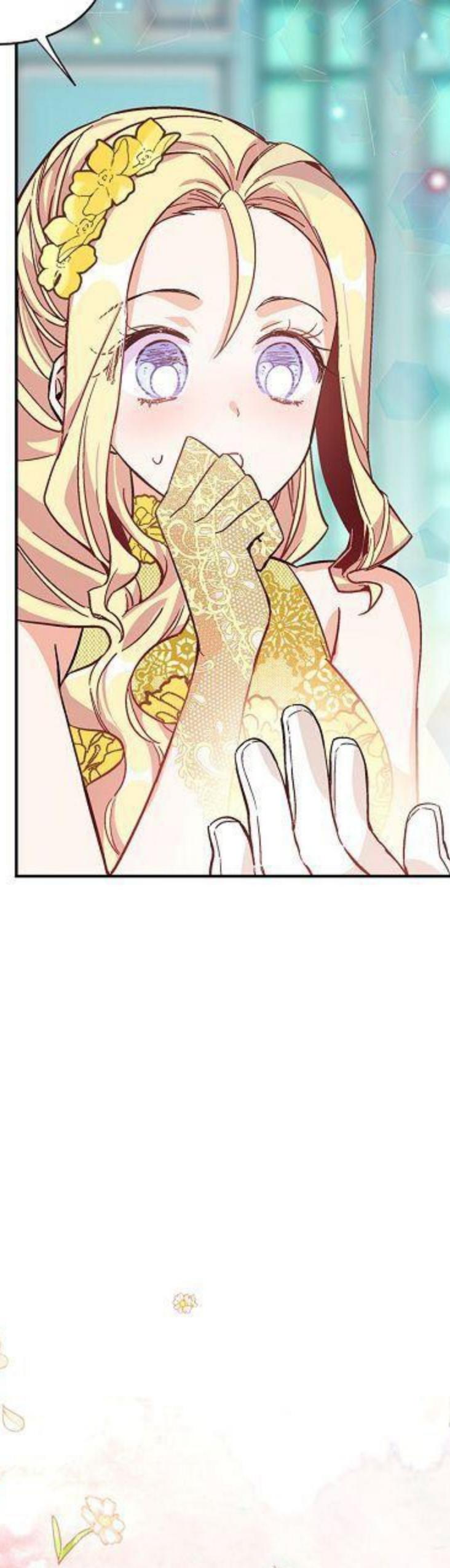
هیچ وقت ندیدن تنفسش رو اینبوری

نشون بده

افتخار رقص با من رو میدید؟

ببخشید؟

*متجمعنییغ غ



پرنس همیشه بخاطر خوب
رقصیدن‌ش معروف بوده
ولی اون کاملاً شگفت‌انگیزه

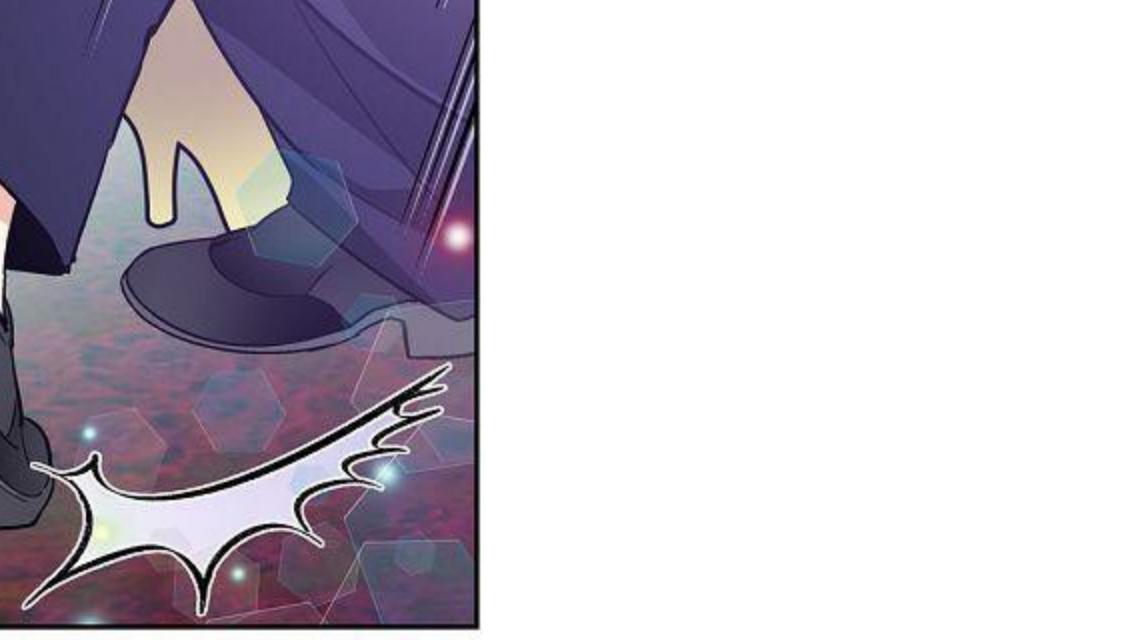




هرار بدم ۷ و دنی ار پام حون میومد
تمرین میکردم



A close-up shot focusing on a character's hand. The hand is wearing a dark blue sleeve with a yellow and white paisley patterned cuff. The character is holding a small, gold-framed portrait of a red cat with white paws. The background shows a window with a grid pattern and a pinkish-red curtain on the right.

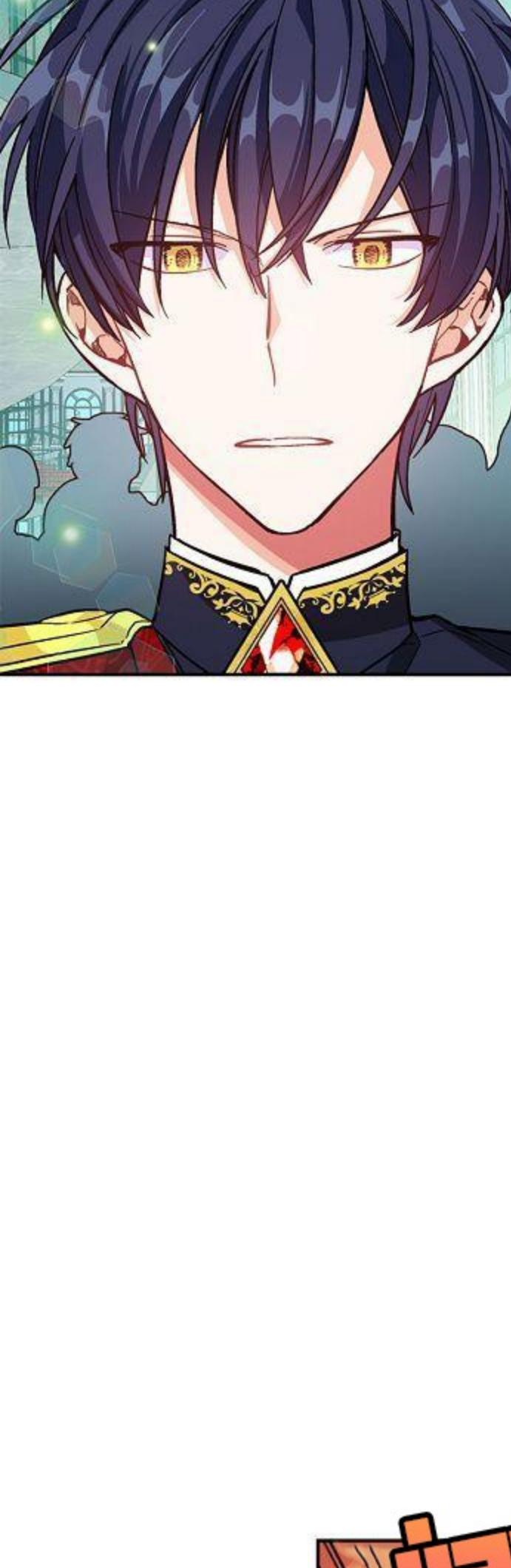




پرا هدایت کردن رفاقت
یهو انقدر خشن شد؟



حالت خوب نیست الیزه؟



من خویم سرورم



اوہ فدا

خیلی تب داره....!

از کی مریضی؟

آه..

آه..

به خاطر اینکه خیلی تو
بیمارستان کار میکنه

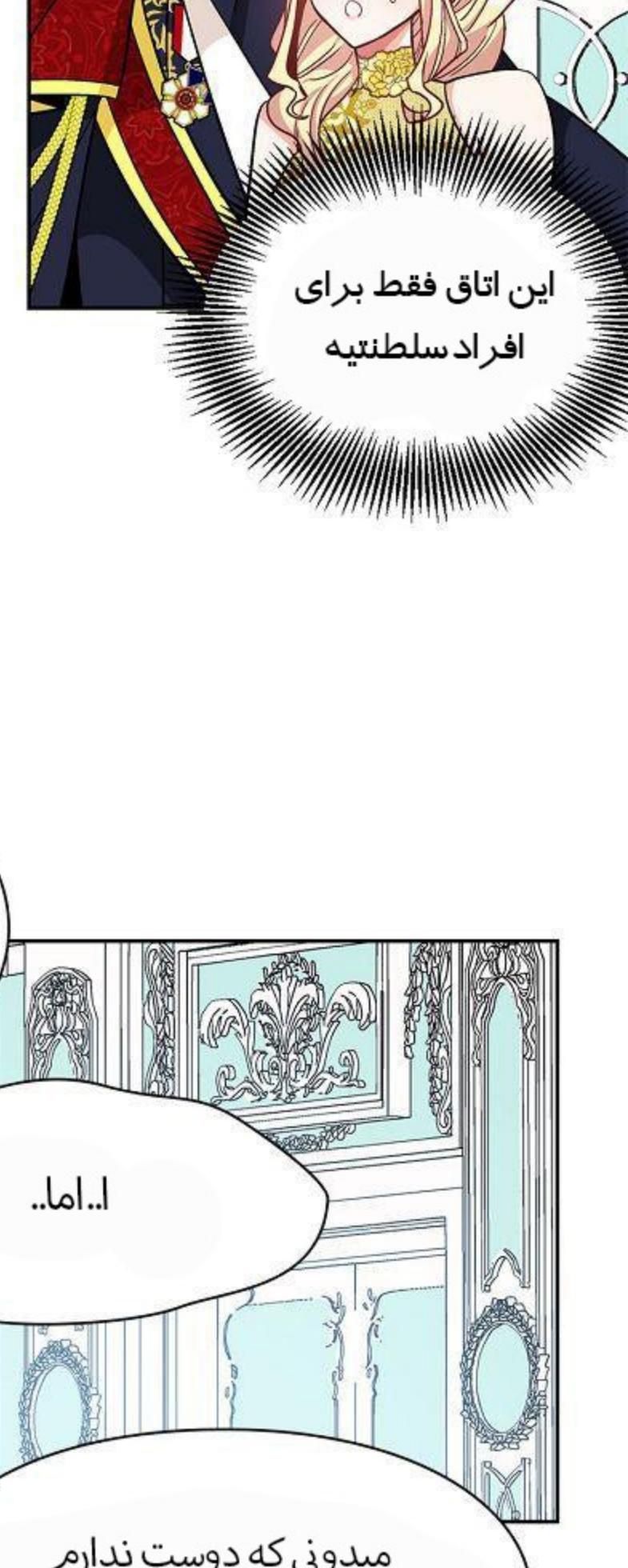
اکه میدونستم انقدر مریضه از شن
نمی خواستم با هام بر قمه

دن بالم بیا

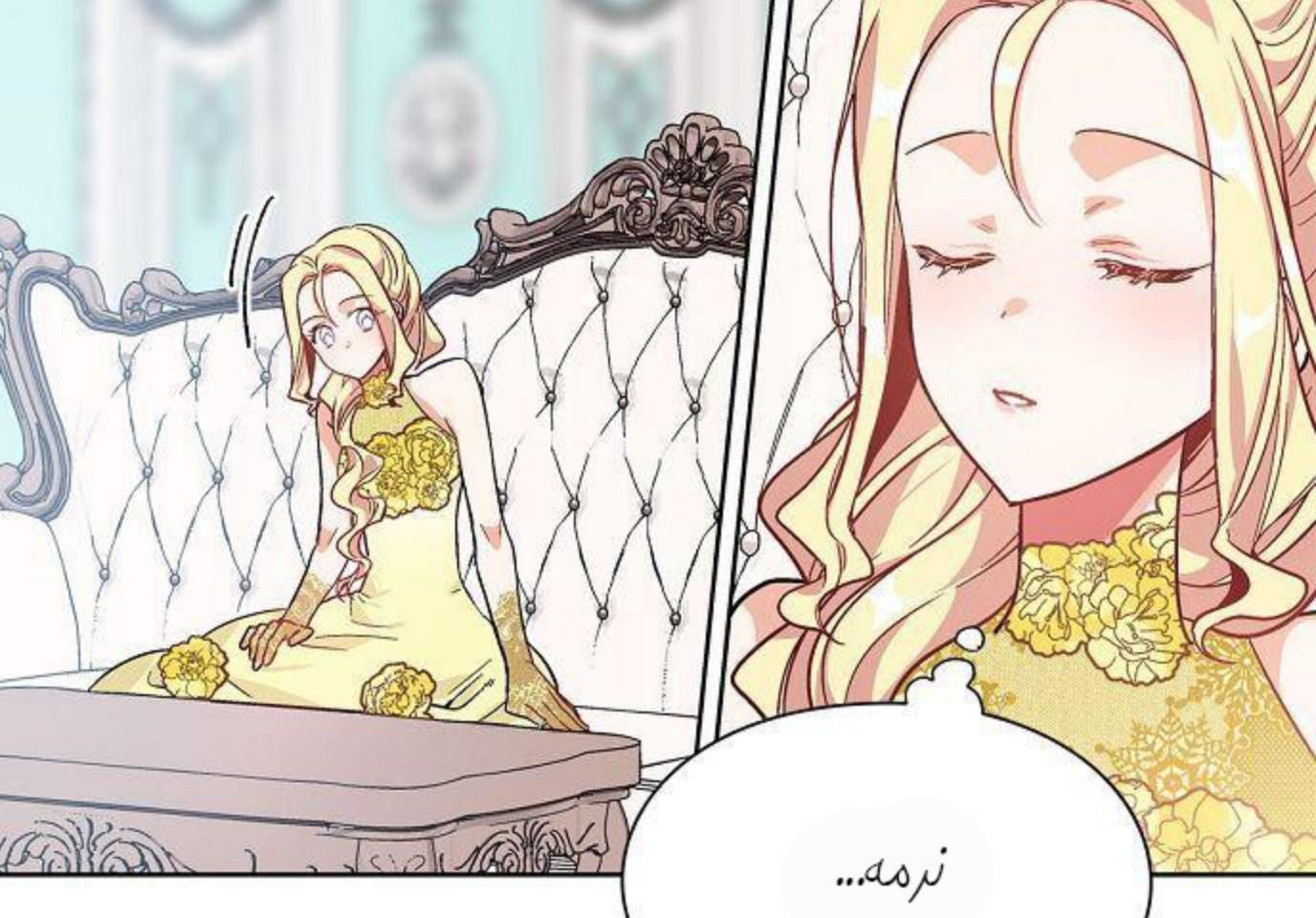
بله؟



س..سرورم اینجا...



این اتاق فقط برای
افراد سلطنتیه



بشین

اما..

میدونی که دوست ندارم
حرفمو دوبار تکرار کنم



ندهه...

اشکالی نداره اگه
اینجا استراحت کنی

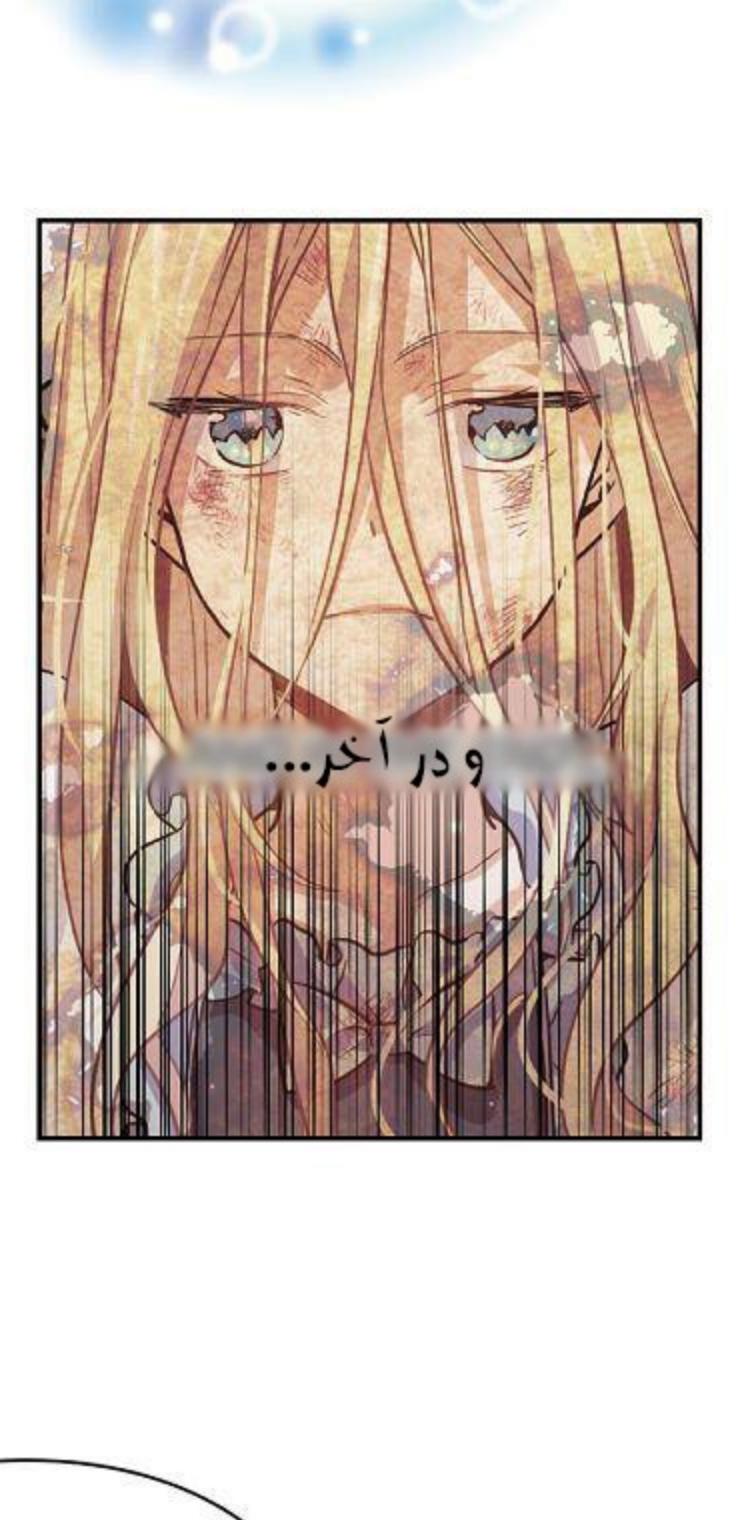
اگه یک دیگه از خانواده
سلطنتی او مد اینجا
بگو که همراه منی

به خاطر اینکه انقدر با ملاحظه
هستیں ممنونم



موندم که چرا امروز
اینطوری شده

از زندگی قبلیم
فهمیده بودم که
اوی ازم متنفره



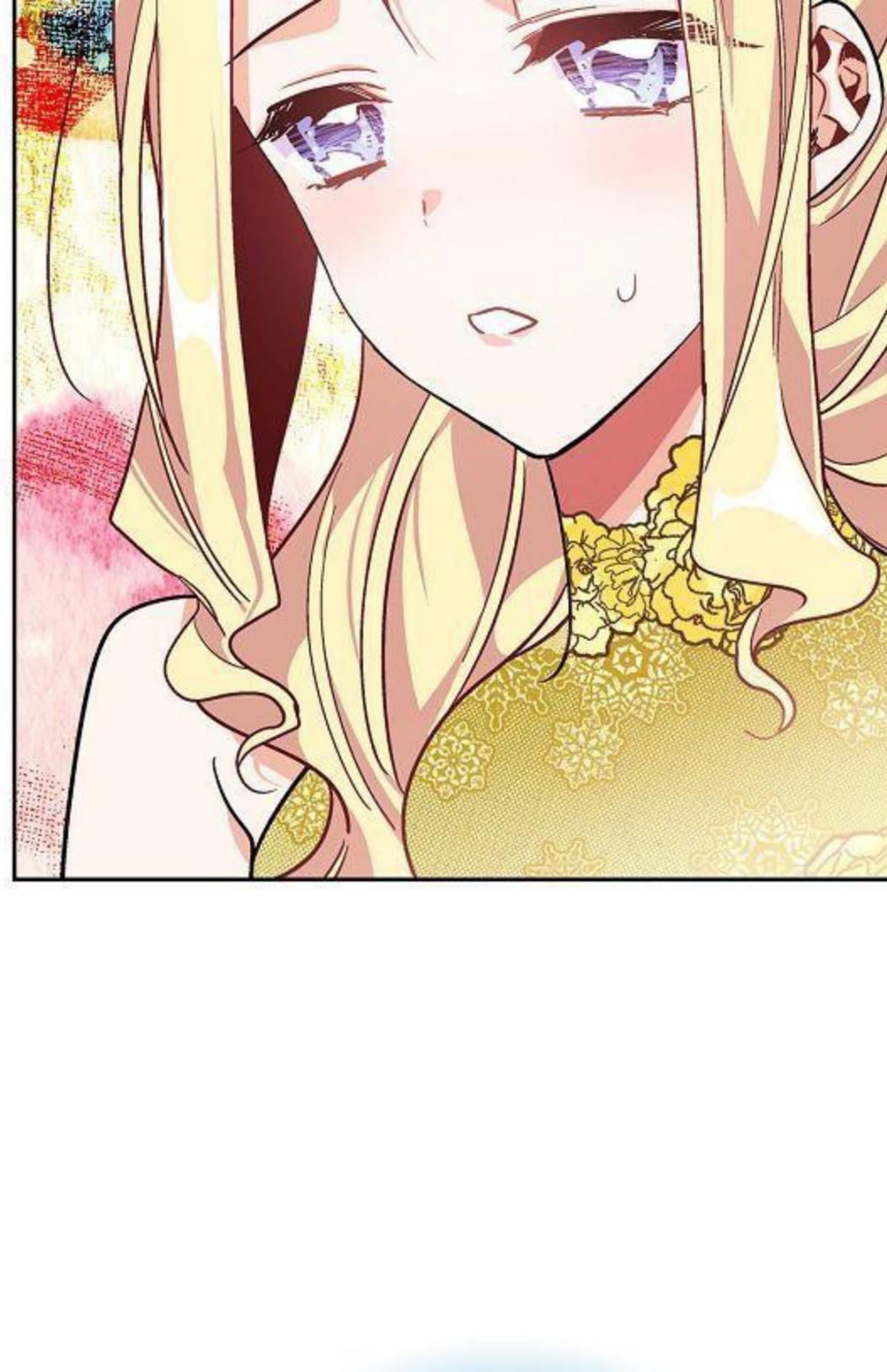
نتویستم این موضوع
رو تعلم کنم و اسه
فهمیم روز به روز
بدچنین تر شدم

و در آخر...

س... سرورم... دلیلی....



هست که شما امروز
انقدر با من مهربون شدید؟



تو.. تو باید از من متنفر باشی...!

کاری از تیم تر. ج ساکورا

